دختران و زنان روستایی دیده نمی‌شوند

نقش زنان روستایی با توجه تفاوت جغرافیایی و فرهنگی جوامع، فرق می کند. با این وجود، معضل مشترک اغلب آنها، اشتغال یا خوداشتغالی در مشاغل فاقد درآمد یا کم درآمد است. با توجه به درآمد کم، کار زنان روستایی واجد ارزش کمتر شمرده می‌شود، درحالی که فعالیت‌های مردان و پسران دارای ارزش بیشتر دانسته می‌شود. این رویکرد سبب می‌شود که زنان اغلب به منزله «کمک کار» مردان سرپرست خانوار تلقی شوند. درحالی که زنان تولیدکننده نیمی از مواد غذایی در جهان اعلام شده‌اند و در اموری مانند برداشت دانه‌های غذایی، کاشت سبزیجات در باغ‌های خانگی، ماهیگیری و کار در جنگل و نگهداری از حیوانات کوچک و غیره اشتغال دارند. تحقیقی در آفریقا نشان می‌دهد که زنان طی یک سال بیش از ۸۰ تن سوخت، آب و محصول کشاورزی را به فاصله یک کیلومتر حمل کرده‌اند، درحالی که مردان فقط یک هشتم این میزان را حمل کرده‌اند. مراقبت از کودکان، افراد بیمار، ایتام و سالخوردگان نیز معمولا مسئولیت زنان قلمداد می‌شود. همچنین کار در مزرعه و انجام امور کشاورزی که بسیاری از زنان روستایی به آن اشتغال دارند، منطبق با استانداردها و شرایط کاری مطلوب مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار نیست. در کشور ما از اوایل سال ۱۳۷۰ نقش زنان در توسعه روستایی و کشاورزی در کشور مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت. بر این اساس و به منظور تأمین بخشی از اهداف توسعه روستایی، در وزارت جهاد سازندگی سابق از سال ۱۳۷۴، واحدی تحت عنوان اداره امور زنان روستایی شروع به فعالیت کرد که این واحد از سال ۱۳۷۶ با تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور به مدیریت امور زنان روستایی و عشایری ارتقاء پیدا کرد. از سوی دیگر با توجه به اهمیت نقش زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی در وزارت کشاورزی سابق نیز دفتری به نام توسعه و ترویج فعالیت‌های زنان روستایی با هدف افزایش دسترسی زنان روستایی به خدمات آموزشی ترویجی بخش کشاورزی تأسیس شد.

پس از ادغام دو وزارت جهاد سازندگی و کشاورزی، اهمیت جمعیت ۱۱ میلیون نفری زنان روستایی از دید مسئولان و صاحبنظران دور نماند و با ادغام دو دفتر فوق، دفتر امور زنان روستایی و عشایری در تشکیلات جدید ابقاء شد. این دفتر از ابتدای تشکیل با گذراندن فراز و نشیب‌های بسیار در شرح وظایف و تشکیلات براساس اهداف و مأموریت‌های محوله در قالب چهار گروه بررسی و تدوین برنامه‌های راهبردی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی، نظارت و ارزشیابی و ارتباطات بین‌الملل اقدام به سیاست گذاری و تدوین طرح‌ها و برنامه‌های کوتاه و میان‌مدت کرده و قرار بوده است که مشارکت زنان روستایی را در تولید و اقتصاد کشور سازماندهی و برنامه‌ریزی کند.

اما مشکلات و مسائل زنان روستایی ما تنها با راه‌اندازی دفتر امور زنان روستایی و عشایری حل می‌شود؟ آیا مسئولان امر، جنس مشکلات این زنان را می‌شناسند؟ و آیا برای به رسمیت شناختن مشارکت اقتصادی زنان در کنار مردان و ایجاد مشارکت‌های اجتماعی کاری انجام شده است؟ فرهاد اقطار مدیر کل دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی گفته است که طلاق در کشور ما کاهش می‌یابد و علت آن کم‌شدن ازدواج است. در سال ۹۱ تعداد طلاق‌ها حدود ۸۲۹هزار مورد بوده است اما در سال ۹۲ به ۷۷۴هزار مورد کاهش یافته بود. طلاق طی چندسال آینده دیگر مشکل کشور ما نیست و معضل پیش رو آمار بالای زنان از دواج نکرده است. درواقع شاید شرایط ازدواج برای میلیون‌ها نفر فراهم نشود.

در این میان نکته دیگری که باید به این موضوع افزود، افزایش آمار دختران مجرد روستایی است. مردان روستا که با مهاجرت، طعم شهر را چشیده‌اند دیگر راضی به ازدواج در روستا نمی شوند. شاید یکی از مشکلات ما در آینده کاهش ازدواج در روستا و ناامنی کانون خانواده باشد. به این موضوع مشکلات دیگر زنان روستایی را باید افزود. نوع شغل، کمبود امکانات بهداشتی و آموزشی و به‌طور کلی سبک زندگی خاص زنان روستایی برای آنها پیامدهایی داشته است که اینک آنان را به انزوایی جدید فرو می‌برد. در روستاها و در میان زنان شرایط استقلال مالی و مشارکت‌ها و ارتباطات اجتماعی از چنان گستره‌ای بر خوردار نیست که دختران مجرد روستایی را به سمت توانمند شدن پیش ببرد. این تنها بخشی از مشکلات زنان روستایی کشور است. سلامت، بهداشت، بیمه زنان و کمک به شکل گیری پایگاه اقتصادی زنان روستایی می‌تواند گامی در جهت توانمندسازی آنان باشد تا هر روز شاهد کاهش تعداد این افراد در روستاها و ترک بدون بازگشت روستا توسط دختران جوان به بهانه کار و تحصیل نباشیم و آسیب‌های اجتماعی جدیدی را از این ناحیه متوجه نشویم. زنان روستایی، به‌خصوص در جوامع درحال توسعه، در معرض تبعیضات و آسیب‌های بسیاری هستند. زنان روستایی در یک کشور درحال توسعه به‌طور یقین از مردان فقیرتر، آسیب‌پذیرتر، کم‌سوادتر، بیمارتر و دارای امید به زندگی پایین‌تری هستند و به احتمال فراوان زمینی در مالکیت خود ندارند. بنابراین توانمندسازی زنان و دختران روستایی اولا با شناسایی آسیب‌هایی که می‌تواند تهدیدشان کند و دوما با ایجاد شرایط توانمندساز دارای ضرورت و اهمیت است.

زباله‌های بد، زباله‌های خوب

خانواده‌های ضدزباله

امروزه ما دارای سه گروه عمده زباله هستیم: زباله‌های صنعتی، بیمارستانی و خانگی که شیوه دفع هر کدام متفاوت است اما امروزه، بازیافت جای دفع را گرفته است. این اندیشه وجود دارد که منابع زمین محدود است و باید تلاش کرد تا از این منابع محدود، استفاده بهینه شود. هر کسی نیز به سهم خود مسئول است تا از اتلاف منابع جلوگیری کند.

در خبرها آمده بود که رئیس اداره حفاظت و محیط‌زیست تهران گفته است بارگذاری جمعیت و فعالیت در این کلان شهر بسیار بیشتر از اکوسیستم است و این هوا و خاک برای زندگی این همه انسان و فعالیت آنها کافی نیست. وی با اشاره به این که روزانه هفت‌هزار و ۵۰۰ تن زباله در تهران تولید می‌شود، گفته است سرانه هر نفر در تولید زباله ۷۰۰ تا ۸۰۰ گرم است، اما مسأله مهم‌تر پسماندهای بیمارستانی است و در این میان نقش دانشگاه علوم پزشکی از اهمیت بیشتری برخودار است، چرا که نحوه پسماند تنها ۱۰ درصد از بیمارستان‌های پزشکی مشخص است و لازم است در این‌باره برنامه‌ریزی شود. نکاتی که ما بعنوان یک خانواده می توانیم فارغ از موضوع زباله‌های صنعتی و بیمارستانی به آن بپردازیم راه‌های نگهداری و تفکیک زباله در منزل است؛ برای نگهداری موقت زباله در منزل باید ظروف نگهداری موقت زباله درب دار باشد، برای جلوگیری از پراکنده شدن زباله و دسترسی حشرات و حیوانات به زباله قابل شست‌وشو و ضد زنگ باشد، ترجیحاً ظروف پلاستیکی و استوانه‌ای شکل باشد، برای سهولت شستشوی تمامی قسمت‌ها و دیواره‌های داخلی ظرف دارای ظرفیت مناسب باشد، به‌طوری که گنجایش زباله تولیدی دو روز منزل را داشته و براحتی قابل جابه‌جایی باشد.

کیسه پلاستیکی، سالم و بدون پارگی بوده تا از پخش آلودگی در محیط به هنگام جمع‌آوری و حمل‌ونقل جلوگیری به عمل آید. محل ثابت برای نگهداری ظروف زباله در نظر گرفته شده و محل مورد نظر تمیز نگهداشته شود. زباله‌های نگهداری شده حداکثر دو روز یک بار به صورت بسته بندی باید از منزل خارج و به صورت بهداشتی دفع شود. در صورت آلوده شدن ظروف پس از تخلیه زباله باید شست‌وشو شوند و درنهایت زباله‌ها به موقع و در زمان مشخص شده برای جمع‌آوری به خارج از منزل منتقل شود. اما موضوع تفکیک زباله بحث جدی تری است که باید توسط تک‌تک اعضای خانواده پیگیری شود. بهتر آن است که در تفکیک زباله برای خانواده هدف اقتصادی ملموس تعریف نکنیم. در این‌باره، به منافع اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی ملی بیندیشیم که اثر خود را در سطح کلان بر زندگی تمام افراد و خانواده‌های فعلی و آتی می گذارد. زباله خانگی را در دو گروه‌تر و خشک دسته‌بندی کنیم و دو نایلون جداگانه برای آنها اختصاص دهیم. بهتر است زباله خشک در نایلون‌های شفاف باشد. زباله‌های تر را هر شب و زباله‌های خشک را هفتگی و یا پس از زمان بیشتری در محل‌های جمع آوری زباله قرار دهیم. بهتر است زباله‌های خشک را صبح‌ها بیرون بگذاریم تا به همراه زباله‌های تر حمل نشود و نانی برای دوره گردان باشد. زباله‌های خشک شامل هر نوع کاغذ باطله، هر نوع شیشه حتی شیشه‌های دارو، هر نوع فلز مانند برخی ظروف نوشابه‌ها و هر نوع پلاستیک مانند ظروف یک بار مصرف مواد لبنی می‌شود. به یاد داشته باشیم که این گونه، کمک بیشتری به خانواده‌هایی می کنیم که از طریق جمع‌آوری زباله زندگی شان تأمین می‌شود و ما این گونه نقش مثبتی نیز در زندگی این گروه ایفا کرده‌ایم. گاه در این میان آموزش‌های خوبی صورت می گیرد مانند اجرای آموزش چهره به چهره نحوه تفکیک زباله در منازل در قم. این طرح در دوسال گذشته اجرا و به ۲۰هزار خانواده قمی به صورت مستقیم آموزش داده شده است. یا از مجموع ۴۵۰هزار خانوار کرجی تاکنون ۱۱۵هزار خانوار تحت آموزش‌های مربوط به تفکیک زباله از مبداء قرار گرفته‌اند. آموزش‌های مذکور شامل راه‌های کاهش زباله در خانوار، چگونگی تفکیک زباله‌های خشک از تر، نحوه بسته‌بندی آنها و همچنین آشنایی با ساعات و روزهای مناسب برای قرار دادن زباله‌های خشک برای انتقال به محل بازیافت است. طبق این طرح خانوارها هفته‌ای دو بار زباله‌های خشک و قابل بازیافت خود را در مکان‌های مشخص شده نزدیک محل زندگی خود می‌برند و خودروهای مخصوص شهرداری در ساعاتی معین اقدام به انتقال آنها به ایستگاه‌های معین برای تفکیک و بازیافت می کنند. کارشناسان معتقدند فرهنگ‌سازی برای تفکیک زباله‌های خشک از تر در کودکان و دوران خردسالی در صرفه‌جویی وقت، هزینه و انرژی در این زمینه می تواند بسیار موثر باشد، به همین دلیل باید در بسیاری از مدارس ارایه آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان در این زمینه آغاز شود.

زنان

حالا یک سند امنیت خانواده داریم که اعتبار ندارد

دکتر ناهید خدا کرمی رئیس انجمن مامایی ایران و دبیر کار گروه بهداشت، سلامت و محیط‌زیست معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری آبان ماه امسال در نشستی با موضوع «چالش‌ها و اولویت‌های سلامت زنان و خانواده» گفته بود: «باید ببینیم چرا زنان ما افسرده‌اند؟ آیا فشارهای اجتماعی و قوانینی هست که حقوق زن را نادیده می گیرد یا نه، درون خانواده‌های ما اتفاقاتی می‌افتد که زن ایرانی را افسرده می کند. بنابراین جامعه شناسان باید وارد کار شوند و بررسی کنند. امنیت زنان سندی مصوب است ولی متاسفانه بندی از آن اجرا نمی‌شود و بیشتر علیه امنیت زنان عمل شده، از نظر قانونی مشکلی نداریم اما در کاغذ مانده و در عمل چیزی نمی‌بینیم. همیشه به بیماری‌های جسمی زنان چون چاقی و فشار خون توجه می کنیم اما باید بدانیم گاهی افسرده‌ها بیشتر چاق می‌شوند.

اما این سند چیست و کجاست؟ و چندتاست؟ و بالاخره کدام سند و با کدام ویرایش نهایی مورد توجه است؟ آیا همان‌طور که در بالا آمد، مشکل اجرا نکردن سند است یا مشکل نداشتن سند است یا مشکل در جای دیگری است؟ طی روزهای گذشته دکتر فهیمه فرهمندپور مشاور وزیر کشور در امور بانوان و خانواده از تدوین سند «امنیت زنان و کودکان در روابط اجتماعی» براساس ماده ۲۲۷ برنامه پنجم توسعه خبر داد و گفت: این سند آماده ارایه به دولت است.

ماجرا این است که دولت دهم مکلف به تنظیم این سند با مشارکت ۹ دستگاه مرتبط بود؛ لذا وزارت کشور وقت نیز این مسئولیت را برعهده امور بانوان گذاشت. فرایندی جدی، علمی و هماهنگ با آغاز دولت یازدهم اتفاق افتاد و تمام دستگاه‌های مندرج در اصل ۲۲۷ وارد کار شدند. در توضیح امکانات و توجهات این سند آمده است که: امنیت فقط امنیت فیزیکی نیست و شامل امنیت اجتماعی، امنیت روانی (احساس امنیت)، امنیت در حوزه سلامت و... می‌شود، البته نمی توان امنیت در حوزه اجتماعی را از خانواده جدا کرد لذا در این سند پیشنهاد شده است برای تحقق چشم‌اندازهای مندرج باید به امنیت زنان و کودکان در حوزه خانواده به‌عنوان زیرساخت سند مذکور توجه داشت.

دغدغه حوزه زنان در یک کلمه «امنیت» است و خانواده را اصلی ترین محل برای تولید و بازتولید امنیت و احساس امنیت در همه ابعاد می دانیم؛ لذا رسانه‌ها در ایجاد، تولید و خدشه دار کردن این امنیت نقش موثری دارند. امنیت خانوادگی کلیدواژه حوزه زنان بوده و در شرع مقدس و قانون مدنی، تأمین معیشت زنان برعهده خانواده است، اما امروز زنان ناگزیر هستند به معیشت فکر کنند؛ لذا تأمین امنیت اجتماعی، روانی و... بانوان شاغل نیز باید مورد توجه قرار گیرد. امنیت اجتماعی یک مفهوم نسبی محسوب می‌شود و از این رو است که انتخاب یک استاندارد مناسب را با چالش مواجه می‌سازد و اگر از یک رویکرد جامعه‌شناختی بدان توجه شود، می‌تواند نشانگر کارآمدی یا ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی شناخته شود. امنیت اجتماعی را می‌توان بر حسب سازگاری اجتماعی از مفاهیم جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مشتق کرد. سازگاری به‌طور ذهنی یا در مقایسه با انتظارات اجتماعی نرمال قابل ارزیابی است و امنیت اجتماعی را می‌توان به جامعه‌پذیری مطلوب فرد در جامعه مرتبط دانست. سازمان جهانی بهداشت، امنیت اجتماعی را در سطح فردی و سه بعد در ارتباط با سایر افراد جامعه و نهادهای اجتماعی درنظر گرفته است که عبارتند از: ارتباطات و تعاملات اجتماعی، سازگاری فردی، اجتماعی و نیز ایفای نقش اجتماعی. صاحب‌نظران حوزه اجتماعی، امنیت اجتماعی را در سطح جامعه در نظر می گیرند و آن را همچون جامعه سالم با ویژگی‌هایی چون وجود فرصت‌های برابر در دسترسی به کالا و خدمات اصلی برمی‌شمارند. اما عدم امنیت را تا کنون زنان با کدام فرمول تاب آورده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش جا دارد که به سخنان دکتر محبوبه بابایی در نشست بررسی سبک زندگی زنان در مناسبات خانواده اشاره شود. آن جا که می گوید: کارکردهای سبک زندگی متظاهرانه برای زنان حفظ روابط صلح آمیز و مسالمت‌جویانه با خانواده شوهر به منظور ایجاد ثبات و آرامش در مناسبات میان خانواده خود، حفظ روابط مسالمت‌جویانه با همسر به منظور ایجاد فضای آرامش برای فرزندان خود و یا استمرار تعلق‌پذیری به همسر و حفظ رشته‌های بین زن و مرد است. زنان به منظور مقبولیت از جانب دیگران مهم، در راستای کارکردهای خود، از این سبک زندگی در مناسبات خانواده استفاده می کنند. برای زنان ارزش‌های خانوادگی مهم‌تر از ارزش‌های فردی است. برای زنان محافظت از فرزندان بزرگترین ارزش اخلاقی به حساب می‌آید. برای اغلب زنان حمایت احساسی عاطفی فرزندان مهم‌تر از حمایت احساسی و عاطفی و جانی از خودش است. برای اکثریت این زنان تملک و دارایی موجب امنیت خاطر می‌شود. در صورت داشتن امنیت مالی و جانی و حمایت محاکم قضایی، بسیاری از زنان که در معرض خشونت توسط همسرانشان هستند، طلاق گرفته و از وابستگی بیمارگونه زنان به مردان کاسته شده است. نکته قابل اهمیت چشم‌انتظاری بسیاری از زنان است، نسبت به تهیه سندی که امنیتشان را به معنای واقعی تامین کند. بسیارند زنان و دخترانی که مراجعه به خانه‌های امن یا اورژانس اجتماعی و یا بهزیستی را برای حل مسائل و مشکلات و خشونت‌هایی که بر آنها وارد می‌شود، انتخاب نمی کنند و باید دید این سند هم مانند راه حل‌های دیگر عمل می کند یا قرار است قدم مثبتی را برای این افراد بردارد.

۲۰ عکس نگاری مشارکتی

شما خواننده گرامی می توانید بر اساس عکس چاپ شده در این بخش و بر مبنای اطلاعات مندرج روی عکس، هرگونه توضیح، ترجمه و خاطره‌ای را برای ما ارسال کنید. ماه دیگر در همین روز و با همین شماره، این عکس مجددا منتشر و مطالب ارسالی شما به همراه آن چاپ خواهد شد. ایمیل: khanevadeh.shahrvand@gmail.com

بچه ها حق دارند بازی کنند.

نگاه ویژه

دانش آموزان تهرانی، یک شماره همراه و مصونیت از تنبیه؟!

در چند ماه گذشته اخبار گوناگونی از تنبیه بدنی در مدارس کشور منتشر شد، اتفاقی که تنها به شهر تهران ختم نشد، از تهران و پاکدشت تا گناوه و سایر شهرها شاهد بروز و انتقال خشونتی نسبت به دانش‌آموزان بوده‌ایم که واکنش‌های متعددی را در بر داشت. در آن زمان حجت‌الله درویش‌پور عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از انتشار اخباری مبنی بر وجود تنبیه در مدارس، گفت: دانش‌آموزان آینه رفتار بزرگ‌ترها در جامعه هستند از این رو آموزش افراد با تنبیه اثرات بسیار منفی برای آینده آنها به همراه خواهد داشت. وی با تأکید بر این‌که هیچ معلمی حق تنبیه دانش‌آموزان را ندارد، افزود: والدینی که فرزندان آنها مورد تنبیه قرار گرفته‌اند باید با شکایت به آموزش‌وپرورش از ادامه چنین برخوردهایی در محیط‌های آموزشی جلوگیری کنند. این کمیسیون در تلاش برای دعوت از مسئولان آموزش وپرورش و استماع گزارش عملکرد آنها درخصوص نحوه ارتباط‌گیری با دانش‌آموزان است. کمیسیون آموزش وتحقیقات مجلس برای تشدید نظارت بر نحوه رفتار مسئولان مدارس با دانش‌آموزان تلاش دارد تا طرحی را تدوین و به تصویب برساند.

درویش‌پور با بیان این‌که باید کمیته‌ای جهت مقابله با تنبیه بدنی در مدارس در آموزش‌وپرورش تشکیل شود، گفت: درصورتی که نظارت کافی بر عملکرد مربیان و معلمان وجود داشته باشد به‌طورحتم شاهد برخوردهای تنبیهی در مدارس نخواهیم بود و یادآور شد کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس به‌طورحتم در نخستین جلسه خود موضوع ممنوعیت تنبیه دانش‌آموزان در مدارس را بررسی خواهد کرد.

از سویی دیگر وزارت آموزش و پرورش با انتشار اطلاعیه در این خصوص تاکید کرد که تنبیه بدنی از نظر مقررات و قوانین آموزش و پرورش ممنوع و انجام آن جرم است و با مرتکبین تنبیه بدنی براساس قوانین و آیین نامه‌های مصوب برخورد جدی شده و می‌شود. در گستره نظام تعلیم و تربیت و فراوانی مدارس کشور موارد نادر تنبیه بدنی، همیشه از سوی مسئولان و معلمان محکوم است لذا شایسته است به جای بزرگ نمایی و تبلیغات ژورنالیستی، رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌هایی که داعیه دار آرمان‌ها و ارزش‌های دینی هستند متعهدانه به ریشه یابی و علل وقوع آن و ارایه راه‌حل‌های عملی برای واقع نشدن معدود تنبیهات صورت گرفته بپردازند.

نمی‌خواهیم به این نکته اشاره کنیم که مگر وظیفه رسانه‌ها ریشه یابی علمی موارد و ناهنجاری‌هاست؟ و نمی خواهیم تاکید کنیم که آموزش و پرورش موظف به انجام کار پژوهشی و کاهش آسیب‌هایی از این دست است، نکته دیگر تاکید همه متولیان امر بر قانونی نبودن تنبیه در مدارس است. اما از زمانی که مجلس و وزارت آموزش و پروش حساسیت خود را نسبت به این اتفاقات اعلام کرده‌اند چه برنامه مدون و یکپارچه‌ای برای مقابله با آن تدوین شده است؟

در چند روز گذشته سخنگوی آموزش‌وپرورش شهر تهران با اشاره به ممنوعیت تنبیه بدنی دانش‌آموزان، شماره تماسی را برای بیان گزارشات مربوط به تنبیه بدنی دانش‌آموزان و حتی ارسال فیلم و عکس در این زمینه اعلام کرد.

مسعود ثقفی درخصوص روند رسیدگی به تنبیه بدنی دانش‌آموزان اظهار داشت: هر گونه تنبیه بدنی دانش‌آموزان غیرقابل پذیرش است و این موضوع از طریق واحدهای رسیدگی به تخلفات اداری آموزش و پرورش پیگیری می‌شود. بخشنامه ممنوعیت تنبیه بدنی دانش‌آموزان به تمام مدارس شهر تهران ابلاغ شده است. آموزش و پرورش قطعا با هرگونه رفتار خارج از چارچوب آیین‌نامه انضباطی مدارس مخالف است و با خاطیان برخورد قانونی صورت خواهد گرفت. در صورتیکه دانش‌آموز به هر شکلی خارج از آیین‌نامه انضباطی مدرسه رفتار کند، میزان برخورد با دانش‌آموز در همان آیین‌نامه مشخص شده است و هیچ فردی اجازه تنبیه بدنی، تحقیر و توهین به دانش‌آموز را ندارد.

ثقفی ادامه داد: در آیین‌نامه انضباطی در رابطه با دانش‌آموزانی که مرتکب تخلف می‌شوند، مراحلی ذکر شده که عبارت است از تذکر و اخطار شفاهی به‌طور خصوصی. تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش‌آموزان کلاس. تغییر کلاس در صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه با اطلاع ولی دانش‌آموز. اخطار کتبی و اطلاع به اولیای دانش‌آموز. اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش‌آموز حداکثر به مدت سه روز و انتقال به مدرسه دیگر. در آیین نامه انضباطی هرگونه تنبیه بدنی و اهانت به دانش‌آموز ممنوع است.

متولی برخورد با تنبیه دانش‌آموزان نباید حداقل دارای یک اتاق در اداره آموزش و پرورش و یک شماره ثابت باشد؟ چنددرصد از خانواده‌های دانش‌آموزان این شماره تلفن همراه را می‌شناسند؟ اصلا مگر قرار است فقط دانش‌آموزان تهرانی از تنبیه در مدارس مصون بمانند؟ وزارت آموزش‌وپرورش و مجلس شورای اسلامی در این امر چه جایگاهی دارند؟

سخنگوی آموزش و پرورش شهر تهران بیان کرد: خانواده‌ها می‌توانند گزارش تنبیه بدنی را به شماره ۰۹۱۲۱۵۴۰۶۴۰ منعکس کنند. همچنین فیلم و عکس مربوط به تنبیه بدنی را نیز می‌توانند به این شماره ارسال کنند.

نکته قابل تامل این است که متولی برخورد با تنبیه دانش‌آموزان نباید حداقل دارای یک اتاق در اداره آموزش و پرورش و یک شماره ثابت باشد؟ چنددرصد از خانواده‌های دانش‌آموزان این شماره تلفن همراه را می‌شناسند؟ اصلا مگر قرار است فقط دانش‌آموزان تهرانی از تنبیه در مدارس مصون بمانند؟ وزارت آموزش‌وپرورش و مجلس شورای اسلامی در این امر چه جایگاهی دارند؟ آموزش و پرورش تهران یک شماره تلفن همراه را اعلام می کند و می گوید در صورت بروز تخلف با این شماره می توان تماس گرفت و تنبیه را گزارش داد، آیا معنی این اتفاق این است هر استان و شهری برود و راهی را برای مقابله با این آسیب بیابد؟ آیا نباید آیین‌نامه‌ای اجرایی و سراسری برای تنبیه دانش‌آموزان در مدارس ایجاد شود؟ آیا ما باید همیشه شاهد تکرار صحبت‌های مسئولان در این خصوص و عدم کار اجرایی باشیم؟! آموزش‌وپرورش و مجلس موظف هستند هرچه سریع‌تر موضوع تنبیه در مدارس را پیگیری کنند و همه دانش‌آموزان در همه شهرها از این آسیب جدی مصون بمانند.